

معماری و آرامش

اصول آرامش آفرین در معماری خانه‌های سنتی ایرانی



محمود آرامند

بیبا حاجبی

سمیه خانی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۱۳۹۵

سرشناسه	ارژمند، محمود، ۱۳۳۹-	شناسه افزوده	پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
شناسه افزوده	حاجبی، بیتا، ۱۳۶۴-	شناسه افزوده	خانی، سمیه، ۱۳۶۳-
عنوان و نام پدیدآور	معماری و آرامش. اصول آرامش آفرین در معماری خانه‌های سنتی ایرانی / محمود ارژمند، همکاران: پژوهشی بیتا حاجبی، سمیه خانی.		
مشخصات نشر	تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.		
مشخصات ظاهری	۲۵۷ ص.	شابک	۹۷۸ - ۶۰۰ - ۷۶۸۷ - ۹۳ - ۲ :
یادداشت	نمایه	یادداشت	نمایه.
موضوع	معماری خانگی - ایران - طرح و نقشه		
موضوع	Architecture, Domestic—Iran – Designs and plans		
موضوع	معماری خانگی - طرح و نقشه		
موضوع	معماری خانگی - جنبه‌های روان‌شناسی		
موضوع	Architecture, Domestic—Designs and plans		
موضوع	Architecture, Domestic—Psychological aspects		
رده‌بندی کنگره	NA۷۳۲۱/الف۳۲ ۱۳۹۵	رده‌بندی دیویی	۷۲۸/۰۹۵۵ :
شماره ثبت کتاب ملی	۴۴۲۶۸۵	وضعیت فهرست نویسی	فیا



معماری و آرامش

اصول آرامش آفرین در معماری خانه‌های سنتی ایرانی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

نویسندگان: محمود ارژمند، بیتا حاجبی و سمیه خانی

ویراستار: رقیه مهری

نمونه‌خوان: کتابون قهرمانی

صفحه‌آرا: یحیی نشتا علی

طراح جلد: حسین آذری

نوبت چاپ: اول - آبان ۱۳۹۵

شمارگان: ۷۰ نسخه

قیمت: ۱۷۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۷۶۸۷ - ۹۳ - ۲

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.

در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر(عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

صندوق پستی: ۶۲۷۴-۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶ Email: nashr@ricac.ac.ir

اثر پیش‌رو، نتیجه پژوهشی است که با نظارت ایمان زکریایی کرمانی

در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات انجام شده است.



فهرست مطالب

۱۵	پیشگفتار
----	----------

فصل اول - آرامش

۲۷	مقدمه
۲۸	مسکن، خانه
۳۳	پیشینه
۳۷	مفاهیم مرتبط با تعاملات اجتماعی
۴۸	آرامش از منظر روان‌شناسی
۴۸	آرامش در آموزه‌های اسلامی
۶۱	آرامش در معماری
۶۲	آسایش در معماری

فصل دوم - خانه و زندگی

۶۹	مقدمه
۷۵	جمع‌بندی پاسخ‌ها
۷۶	عناصر فضایی خانه‌ها
۸۳	توصیف کالبدی خانه‌های بررسی شده
۱۱۷	تحلیل کالبدی خانه‌های بررسی شده
۱۲۷	اطلاعات مربوط به نحوه زندگی

فصل سوم - خانه و اجتماع

۱۳۵	مقدمه
۱۳۶	شهرهای تاریخی
۱۳۸	معماری ایران در دوره قاجاریه
۱۴۱	مروری بر معماری خانه سنتی (دوره قاجار)
۱۵۳	مسکن سنتی از منظر نحوه زندگی
۱۷۵	معرفی اصول پایداری اجتماعی بررسی شده در خانه
۱۹۳	معماری خانه در دوره گذار (دوره پهلوی اول)
۱۹۵	معماری خانه در دوره تجدد (دوره پهلوی دوم)
۲۰۲	بررسی تطبیقی شیوه‌های معماری خانه‌های سنتی با خانه‌های دوره تجدد
۲۰۵	بررسی ادراک گذشته تعیین موقعیت فعلی (دوره پس از انقلاب)
۲۱۴	نتیجه‌گیری
۲۳۱	پیوست‌ها
۲۴۷	منابع
۲۵۱	نمایه

فهرست تفصیلی

پیشگفتار ۱۵

فصل اول - آرامش

۲۷	مقدمه
۲۸	مسکن، خانه
۳۳	پیشینه
۳۷	مفاهیم مرتبط با تعاملات اجتماعی
۳۷	توسعه پایدار و پایداری مسکن
۳۹	معماری پایدار
۴۰	پایداری اجتماعی
۴۱	دسته‌بندی کلی رویکردها و ارکان پایداری اجتماعی
۴۱	مسکن و پایداری اجتماعی
۴۲	خلوت
۴۳	خلوت در علوم انسانی
۴۶	خلوت در فرهنگ اسلامی
۴۷	قلمرو
۴۸	آرامش از منظر روان‌شناسی
۴۸	آرامش در آموزه‌های اسلامی
۴۸	آرامش معنوی

۵۲	آرامش مادی و روانی
۵۲	خواب شب
۵۲	خانه؛ مسکن، مأمن
۵۶	همسایگی
۶۰	همسر
۶۱	آرامش در معماری
۶۲	آسایش در معماری

فصل دوم - خانه و زندگی

۶۹	دیده
۷۵	جمع‌بندی پاسخ‌ها
۷۶	عناصر فضایی خانه‌ها
۷۶	ورودی
۷۶	ساباط
۷۶	سردر ورودی
۷۷	در
۷۷	موقعیت فضای ورودی
۷۸	سکو
۷۸	درگاه
۷۸	هشتی
۷۹	دالان
۸۰	حیاط
۸۰	حیاط بالاخانه
۸۰	ایوان
۸۰	ایوانچه
۸۰	مहतایی
۸۱	تالار
۸۱	شاه‌نشین
۸۱	سفره‌خانه

۸۱	اتاق
۸۳	حوض خانه
۸۳	مطبخ
۸۳	سایر
۸۳	توصیف کالبدی خانه‌های مورد بررسی
۸۳	خانه صدر
۸۷	خانه دُر میار
۹۰	خانه ناصر
۹۳	خانه م طرالتام
۹۶	خانه طباطبایی
۱۰۰	خانه بهمن پور
۱۰۲	خانه سیلانی
۱۰۶	خانه میرزا جوادخان
۱۰۸	خانه محمودآبادی
۱۱۰	خانه بنی لوحی
۱۱۳	خانه خواجه
۱۱۵	خانه علی دوست
۱۱۷	تحلیل کالبدی خانه‌های بررسی شده
۱۱۸	ورودی
۱۲۰	هشتی
۱۲۰	دالان
۱۲۱	حیاط
۱۲۲	ایوان
۱۲۳	اتاق‌ها
۱۲۵	تالار
۱۲۷	اطلاعات مربوط به نحوه زندگی

فصل سوم - خانه و اجتماع

۱۳۵	مقدمه
-----	-------

۱۳۶	شهرهای تاریخی
۱۳۸	معماری ایران در دوره قاجاریه
۱۴۱	مروری بر معماری خانه سنتی (دوره قاجار)
۱۴۱	ساختار اجتماعی - فرهنگی
۱۴۲	بافت شهری
۱۴۲	ساختار کارکردی خانه در دوره سنتی
۱۴۳	ساختار کالبدی خانه
۱۴۴	نقشه و ساری خانه
۱۴۶	اصل طبیعت
۱۴۷	اصل سلسله انتاب
۱۴۹	محور
۱۴۹	تقارن
۱۴۹	الگوپذیری
۱۵۰	نیارش، هندسه و تناسب
۱۵۱	نظم هندسی
۱۵۲	ویژگی‌های فضایی خانه ایرانی در دوره قاجار
۱۵۲	مسکن سنتی از منظر «تجوه زندگی»
۱۵۳	بررسی آداب زندگی در خانه‌های سنتی
۱۵۴	انواع روابط انسان با خود و پیرامون
۱۶۱	بررسی ابعاد پایداری اجتماعی در خانه‌های سنتی
۱۶۳	ابعاد پایداری اجتماعی در محله (محله پایدار یا واحد همسایگی پایدار)
۱۶۳	خودکفایی
۱۶۳	کاهش سفرهای شهری
۱۶۳	جامعه‌پذیری و مفهوم اجتماع
۱۶۳	مفهوم مکان و هویت
۱۶۳	مشارکت
۱۶۴	ساختار و بافت محلات سنتی
۱۶۴	عوامل اجتماعی
۱۶۶	عوامل کالبدی محله

۱۶۶		سلسله مراتب ساختاری
۱۶۷		تبیین مرزهای قضایی
۱۶۷		درون گرایی و احترام به اصل حریم
۱۶۷		پیوستگی شبکه ارتباط شهری
۱۶۸		فضاهای عمومی؛ نقاط عطف محله
۱۶۸		عوامل کالبدی مؤثر در تأمین و تقویت پایداری اجتماعی در مقیاس واحد همسایگی
۱۶۸		احترام به خلوت و حریم خصوصی خانه
۱۶۸		تفکیک اندرونی و بیرونی
۱۶۹		ورودی خانه
۱۶۹		هشتی
۱۶۹		دالان
۱۷۵		معرفی اصول پایداری اجتماعی بر مبنای بررسی در خانه
۱۷۷		توضیح عوامل مؤثر بر پایداری اجتماعی در خانه
۱۷۷		آسایش
۱۷۷		هویت
۱۷۸		ابعاد اجتماعی
۱۷۸		رضایت (امنیت فیزیکی و روانی)
۱۷۸		اصول پایداری اجتماعی در خانه های بررسی شده در اثر
۱۷۸		آسایش درون خانه
۱۷۸		ابعاد انسانی
۱۷۸		ابعاد کالبدی
۱۷۹		امنیت (فیزیکی و روانی)
۱۸۰		ابعاد اجتماعی خانه (تمرین رفتار اجتماعی)
۱۸۱		هویت
۱۸۲		عوامل تأثیرگذار بر معماری ایران در دوره گذار (دوره پهلوی اول)
۱۸۳		منابع الهام معماری ایران در دوره گذار
۱۸۳		معماری غرب
۱۸۳		معماری کلاسیک اروپا
۱۸۴		معماری مدرن

۱۸۵	معماری سنتی ایران
۱۸۶	نظارت رضاشاه در معماری ساختمان‌های بزرگ شهر
۱۸۶	معماران دوره پهلوی اول
۱۸۶	معماران سنتی
۱۸۶	معماران خارجی
۱۸۶	معماران ایرانی فرنگ رفته
۱۸۷	معماران متعارف موجود
۱۸۷	وزش معماری
۱۸۷	معماری بناهای دوره گذار
۱۸۸	برهن‌گرایی
۱۸۸	تغییرات
۱۸۹	نما
۱۹۱	مصالح و فناوری ساخت
۱۹۱	تزئینات
۱۹۲	آثار تحولات دوره گذار در شهر
۱۹۳	معماری خانه در دوره گذار (دوره پهلوی اول)
۱۹۴	ساختار کارکردی خانه
۱۹۴	ساختار کالبدی خانه
۱۹۴	اصول طراحی خانه ایرانی در دوره گذار
۱۹۵	عوامل تأثیرگذار بر معماری ایران در دوره تجدد (دوره پهلوی دوم)
۱۹۷	بافت شهری
۱۹۸	ساختار کارکردی خانه
۱۹۸	تحول سازمان فضایی خانه
۱۹۹	تعویض به جای ترمیم
۱۹۹	غلبه اشیا بر سازمان فضایی خانه و کهرنگ شدن نقش فضا
۲۰۰	ساختار کالبدی خانه در دوره تجدد
۲۰۰	اصول طراحی خانه در دوره تجدد
۲۰۱	شیوه زندگی و خانه‌های دوره تجدد
۲۰۱	کاهش حساسیت‌های فضایی شهروندان

۲۰۲	بررسی تطبیقی ویژگی‌های معماری خانه‌های سنتی با خانه‌های دورهٔ تجدد
۲۰۳	ویژگی‌های سازمان فضایی خانه‌های سنتی
۲۰۵	ویژگی‌های سازمان فضایی خانه‌های دورهٔ تجدد
۲۰۶	بررسی معماری ادوار گذشته و تعیین موقعیت فعلی (پس از انقلاب)
۲۰۷	حکومت یا دولت
۲۰۸	قوانین
۲۰۹	تحلیل
۲۱۰	دورهٔ جدید معماری و مهرسازی در جامعهٔ فعلی ما
۲۱۴	نتیجه‌گیری
۲۱۴	جمع‌بندی
۲۱۷	ارتباط با طبیعت
۲۲۱	ارتباط با دیگران
۲۲۱	علل و عوامل
۲۲۴	پیشنهادهای

فصل چهارم - پیوست‌ها

۲۳۱	پرسش‌نامهٔ نهایی
۲۳۵	ویژگی‌های معماری دورهٔ گذار
۲۳۷	دورهٔ پهلوی اول (دورهٔ گذار)
۲۴۳	دورهٔ پهلوی دوم (دورهٔ تجدد)
۲۴۷	منابع
۲۴۷	فارسی
۲۵۰	لاتین
۲۵۱	نمایه



پیشگفتار

«خانه»، مبدأ و مقصد زندگی روزمره انسان است. انسان‌ها رای کار و فعالیت اجتماعی از آن خارج می‌شوند و پس از کسب تجربه ابعاد مختلفی از حیات پیرامون به آن باز می‌گردند. توسعه ناگهانی و فراگیر شهرها و مهاجریبری آنها در سده‌های اخیر از به ساخت‌وساز بناها، به‌ویژه خانه و نقاط مسکونی، را به‌شدت افزایش داده است. از سوی دیگر، رده‌های جدید زندگی و ظهور وسایل جدید مثل ابزارهای برقی یا خودرو در دوره‌های اخیر، هماهنگی بین به زندگی قبل و بعد از آنها را به‌شدت مختل کرده است، حال آن‌که فرهنگ عمومی جامعه و تعالیم مردم با یکدیگر همپای این تغییرات تحول نیافته است و در نهایت شاهد آشفتگی‌هایی در عرصه اجتماعی، فرهنگی و جمعی افراد جامعه هستیم.

نبود الگوهای معماری متناسب با نحوه زندگی جدید، این توهم را دامن زده که گویی انسان دیگری پا به عرصه وجود گذاشته است که امکان هماهنگی با گذشته فرهنگی خود را ندارد و بنابراین، ساخت‌وسازها بدون توجه به لزوم این هماهنگی به‌سرعت ادامه دارد. در همان حال، نارضایتی از فضاهای جدید ناهماهنگی آنها با ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی - که تغییرات آنها دیرپاتر از تغییرات کالبدی هستند - موجب مخدوش شدن آرامش شهروندان شده است.

امروزه ما شاهد ساخت مسکن انبوه در شهرها به جای واحدهای مسکونی منطبق با نیازهای فردی و خانوادگی هستیم. شاید بتوان دلیل بروز چنین وضعی را در وهله نخست نبود ارتباط مستقیم بین طراح و بهره‌بردار دانست. کارفرمای مسکن که معمولاً معمار یا او در تماس است، در موارد اندکی همان استفاده‌کننده اصلی بناست. درواقع، «مسکن انبوه» برای پاسخ‌گویی به نیازهای «متعارف» مردم طراحی می‌شود نه نیازهای «واقعی» و کاربران کسانی هستند که کمترین حرف را برای طراحی معماری خانه‌هایشان می‌زنند. معمولاً کارفرمایان پروژه، علاقه زیادی به ارتقای قدرت انتخاب کاربران ندارند، زیرا هریک از این‌ها با برخی از جنبه‌های خاص از زندگی کاربران سروکار و دل‌مشغولی دارند؛ از نظر آنها کاربران ممکن است در لباس کارمند یا راننده یا معلم و نظیر آن جلوه کنند. طراحان نیز اغلب به فعالیت‌های خاصی توجه می‌کنند که کارفرمایان تعریف می‌کنند. بنابراین، طراحی معمولاً بر مبنای این تعاریف از فعالیت‌ها که به ترسیم الگوهای فعالیتی مورد تمایل کارفرمایان منجر می‌شود، شکل می‌گیرد (ابتد، و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۵۷) و نتیجه آن خانه‌هایی است که ساکنان آن دلبستگی خاصی بدان ندارند و حتی به نوعی آن‌را محیطی موقت برای زندگی در نظر می‌گیرند و در سودای دستیابی به خانه‌ای متناسب با خواست‌ها و ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و احساسی خود، گویی زندگی در این خانه‌ها را نسبت به انگار! و آن کاملاً در مقابل نگرش گذشتگان ما به خانه و مکان زیست خود قرار دارد. به همین رو، پروژهای بزرگ و وسیع خانه‌سازی نیازمند راهکارهایی برای طراحی معماری خانه‌ها متناسب با ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی است و یافتن الگوهای مناسب بدون بررسی و پژوهش‌های لازم تحقق‌پذیر نخواهد بود.

در معماری گذشته، به جنبه‌های مختلف نیازهای کاربران، به‌خاطر نیاز به تعاملات اجتماعی و ارتباط با همسایگان، حریم‌ها و نیاز به خلوت در جای خود به‌خوبی دست‌یافت داده می‌شد و از این رو دلبستگی^۱ و احساس تعلق ایجاد می‌کرد و چون این جریان عموماً پیوسته بود، به خاطره‌ای جمعی در اذهان تبدیل می‌شد.

امروزه، طراحان بیشتر به جنبه‌های کالبدی مرتبط با طراحی فضا می‌اندیشند. اما اگر «محیط» را «ظرف» رفتارهای خود بدانیم باید به رابطه درونی الگوهای جاری «رفتار» و «محیط» ساخته‌شده

۱. دلبستگی مردم به مناطق مسکونی‌ای که در آن همسایگان با یکدیگر تعامل اجتماعی زیاد دارند بیشتر است. در این مناطق مهاجرت‌ها کم‌ترند، شاید به این دلیل که وظایف و التزامات اجتماعی روشن‌تر، حمایت مردم از یکدیگر بیشتر و از خود بیگانگی کمتر است (Fried, 1963, 151-171).

دقت کنیم. با شناخت الگوهای رفتاری می‌توان به الگوهای مورد نیاز موقعیت‌های خاص برای طراحان نیز دست یافت.

در قرن نوزدهم میلادی در غرب، با توجه به تبعات انقلاب صنعتی و مهاجرت وسیع کارگران روستایی به شهرها، بسیاری از منتقدان اجتماعی به همبستگی قوی شرایط نامطلوب زندگی مردم با وضعیت اجتماعی و روان‌شناختی آنها آگاهی یافتند و به این نتیجه رسیدند که تغییر در محیط ساخته شده نه تنها شرایط زندگی را تغییر می‌دهد، بلکه در شیوه زیست و ارزش‌های زیباشناختی مردم نیز تغییر ایجاد می‌کند. این دیدگاه صرفاً رابطه محیط - رفتار را رابطه علی می‌دانست (لنگ، ۱۳۸۱: ۱۱۵). به نظر می‌رسد، این مدل که مبنای بیشتر نظریه‌های معماری بوده، منجر به برداشتی غلط از ماهیت رابطه انسان - محیط شده است. در این مدل، محیط محرک است و رفتار انسان پاسخ‌گو به آن در نظر گرفته می‌شود. نتیجه این است که معماران اغلب این‌گونه فرض کرده‌اند که چون این دو معیار انسان و محیط با هم همبستگی دارند، بین آنها رابطه‌ای علی نیز وجود دارد. این تلقی منجر به نتایج اشتباهی درباره تأثیر محیط ساخته شده بر رفتار انسان شده است (همان: ۱۲).

ادراک ما از یک فضای خاص نه صرفاً به کنش در آن فضا، بلکه به الگوی رویدادهای آن فضا نیز بستگی دارد. این رویدادها لزوماً همواره رویدادهای «سانی» نیستند، حتی آفتابی که بر لبه پنجره می‌تابد یا بادی که بر سبزه‌ها می‌وزد نیز جزء این رویدادهاست. از مهم‌ترین تحولات علوم رفتاری^۱ که در حرفه طراحی بنا تأثیرات زیادی داشته است به وجود آمدن رشته‌ای بنام «ان‌شناسی محیطی»^۲ توسط راجر بارکر و همکارانش در فاصله سال‌های ۱۹۷۹ - ۱۹۶۸ بوده است. این رویکرد به جای مطالعه آزمایشگاهی رفتار فرد، به رفتار فرافردي در محیط زندگی روزمره توجه دارد (همان: ۱۲۷). او مفهوم «قرارگاه رفتاری»^۳ را برای فضاهای فعالیت بکار می‌برد.

هر الگوی جاری رفتار، نیازمند سطح مطلوبی از «خلوت» و در برابر آن «تعامل اجتماعی» است. ساختار محیط ساخته‌شده باید بتواند به این نیازها پاسخ گوید. یک اتاق، یک ساختمان یا یک محله سبزه از فضای سبز، هرچند که خوب طراحی شده باشد، ممکن است برای استفاده کنندگان ناراحت باشد. درک اینکه چرا معماران و دیگر طراحان محیط و اغلب اصلاح‌گران اجتماعی به نقش اساسی محیط در تعیین الگوها و ارزش‌های رفتار اجتماعی انسان اعتقاد دارند، مشکل نیست. هستر، تحلیل جامعی از

1. Behavioral Science
2. Ecological Psychology
3. Behavior Setting

وابستگی مکانی در جامعه انجام داده است. او در تحقیقی با هدف شناسایی مکان‌های «مرکزی» و ارزش‌های آنها برای افراد با استفاده از پرسش‌نامه از ساکنان محله‌ای خواست تا مکان‌هایی را که برایشان ارزش و اهمیت بیشتری دارند ذکر کنند. نتیجه این تحقیق نشان داد مکان‌هایی که بیشتر مورد توجه مردم بودند فاقد ارزش معماری‌اند درواقع، وابستگی و هویت مکانی، ناشی از اتفاقات و خاطراتی بود که ساکنان آن محله آن‌را تجربه کرده بودند (Hester, 1975).

«روابط متقابل» ما با دیگران - ارتباطمان با آنها، هنجارهایی که در قبول آنها با دیگران شریک هستیم و خلوت خصوصی در مقابل استقلال و امنیت - نقش مهمی در اولویت‌های ما در انتخاب سکونتگاه دارد. در یک مطالعه درباره چهارصد خانم خانه‌دار اسپانیولی مشخص شد که همسایگان و همسنگی محله‌ای عامل بسیار مهمی در رضایت از سکونتگاه است، حتی مهم‌تر از عوامل عینی خانه. البته عامل تعیین‌کننده، تعادل مناسبی میان «جدایی» و «همگرایی» است (گیفورد، ۱۳۷۸: ۸۲). این گونه، با توجه به نیاز به معنایی از رضایت هستند، به نظر می‌رسد در محیطی آرامش‌بخش برای ساکنان خانه‌ها محقق می‌شود و اما اینکه چه محیطی را می‌توان آرامش‌بخش دانست مبدأ جست‌وجوی ماست.

معیارهای ایجاد آرامش در خانه، مانند کدام عامل ادراک ما از راحتی، کیفیت محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ فضای شخصی، نیاز به حریت، و رابطه‌های اجتماعی (مثل همسایگی) در انسان عمومیت دارد و با ارضای دیگر نیازهای او چنانچه امنیت، خودشکوفایی و عزت نفس در رابطه است و این‌ها همه دست‌اندر کار آرامش‌بخشی به فضای معماری‌اند. در نظریه‌های طراحی محیط، اظهار نظرهایی راجع به چگونگی تأثیر «طراحی» بر «تعامل اجتماعی» شده است. باید ابتدا به الگوهای تعامل اجتماعی نظر بیفکنیم و سپس قابلیت‌های محیط ساخته‌شده را بررسی کنیم. همان‌قدرکه طراحی محیط و مواد و مصالح تشکیل‌دهنده آن، کانال‌های ارتباط اعضای یک جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، محیط ساخته‌شده نیز فرایندهای اجتماعی انسان را متأثر می‌سازد. به‌طور غیرمستقیم از طریق دست‌ساخته‌های خود که ساختمان‌ها را نیز شامل می‌شود، ارتباط برقرار می‌کنند (لنگ، ۱۳۸۱: ۹۰).

محیط، نقشی اساسی در شکل‌گیری احساس ارزش‌ها و توانمندسازی افراد و گروه‌های مختلف ایفا می‌کند. قرارگاه‌های فیزیکی برخی الگوهای رفتاری و نقش‌های اجتماعی نوینی را بر ساکنان خود تحمیل می‌کنند، یا برخی الگوها و معیارهای رفتاری را تقویت و برخی دیگر را تضعیف می‌کنند.

و به‌طور خلاصه جهت و ابعاد جدیدی به رفتار ساکنان خود می‌بخشید (مرتضوی، ۱۳۶۷: ۷). از سوی دیگر، می‌دانیم که بسیاری از اشخاص که سابقه تجربه زندگی در خانه‌های سنتی را داشته‌اند آن فضاها را رضایت‌بخش‌تر از خانه‌های کنونی خود می‌دانند. معنای راحتی و آرامشی که عناصر فضایی آن خانه‌ها القاء می‌کردند چیزی است که موضوع بحث معماران کنونی است. تأمل در معماری خانه‌های سنتی برای دریافت چنین عناصری مقدمه‌ای برای مطالعه فراهم می‌سازد.

می‌دانیم که معماری واجد عناصر ثابت و متغیر است. برخی از عناصر آن بسته به زمان و مکان تغییر می‌کنند و برخی دیگر ثابت می‌مانند. عناصر شکلی و کالبدی معماری معمولاً متغیرتر و عناصر فرهنگی و معنایی آن ثابت‌ترند. «خاطره» را شاید بتوان از عوامل ثابت دانست. پاسخ‌دهی به این نیاز را در گذشته، فضاها، به‌خصوصی - مثل محل‌های نشستن در کنار ورودی خانه‌ها - برعهده داشتند؛ همچنین قابلیت خانه‌های سنتی برای تجمع و تفکیک فضاها با حیاط‌های بیرونی و اندرونی، برگزاری مراسم یا حفظ حریم خانه را امکان‌پذیر می‌کرد.

تغییر تدریجی نظام خانواده در دهه ۱۳۰۰ به خانواده هسته‌ای و نیاز به فضاهایی با مساحت کمتر و تنوع بیشتر، تفکیک حیاط‌های چندگانه را موجب شده است؛ درحالی‌که در گذشته و در خانه‌های سنتی، حیاط چنین خانه‌هایی مشترک بود و امری ناگوار و بی‌سازمان میان اهالی خانه‌ها را فراهم می‌کرد. یا در خانه‌های قدیمی با در نظر گرفتن اندرونی و بیرونی، بانوی خانه به راحتی می‌توانست کارهای منزل را به دور از چشم میهمانان انجام دهد. در مطبخ‌ها، با حیاط‌ها، حمام‌ها، خدمت‌های که داشتند، همه وسایل در دسترس بانوان بود. اما امروزه چنین امکانی اگر نه کاملاً غایب، آنقدر کم شده است. می‌توان علت این همه تغییرات در بهره‌برداری را در نقش متقابل معمار و بهره‌بردار جست‌وجو کرد. در مسکن سنتی، طراح و سازنده بنا از یک‌سو و سرمایه‌گذار، کارفرما و بهره‌بردار از سوی دیگر نقشی مشترک داشتند. دلیل چنین اشتراکی پیچیدگی کمتر روابط اجتماعی محل، به‌دلیل وابستگی آن در مسائل فرهنگی و شیوه زیست مردم و ازجمله در شکل‌گیری فضاهای مسکونی بود.

در مقیاس شهری نیز شاهدیم که در گذشته فضاهای تعامل به‌گونه‌ای مناسب تلفیق می‌شدند، به‌طوری‌که جلوگیری از توسعه حوزه‌های تخصصی و تک‌بعدی فعالیت‌ها و تلفیق مناسب و چندبعدی آنها در فضاهای شهری محیطی امن فراهم می‌ساخت. مثلاً، مسجد جامع و بازار پیرامون آن، تأمین آسایش و امنیت مردم، به‌خصوص زنان را در مقیاس شهری به عهده داشت و احساس انس میان بازاریان و خریداران این امنیت را فزونی می‌بخشید.